



شرح التلویحات اللوحیة والعرشیة (جلد ۳)، ابن کّمونه  
عزّالدولة سعدبن منصور، تصحیح نجفقلی حبیبی،  
ص، ۱۳۸۷ش.



#### جلد اول: المنطق

التلویحات اللوحیة و العرشیه یکی از آثار مهم شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی (۵۴۹ - ۵۸۷ق) است، و ابن کّمونه، عزّالدولة سعدبن منصور بغدادی (درگذشته ۶۸۳ق)، از حکمای معاصر خواجه نصیرالدین طوسی، اولین کسی است که بر آن شرح نوشته است. ابن کّمونه در شرح التلویحات، با استفاده از مجموع دانش زمانه خود و بهره گرفتن از سایر آثار سهروردی، در توضیح دشواریهای متن، در حدّ قابل تحسینی از عهده برآمده است این شرح در برجسته کردن آرای شیخ اشراق و نیز در فهم نظرات ابن سینا در الشفاء و الاشارات، استاد صامت ارزشمندی است. این شرح در سه جلد است و اثر حاضر جلد اول آن به شمار می‌رود که اختصاص به منطق دارد.

#### جلد دوم: الطبیعیات

جلد دوم شرح التلویحات اللوحیة و العرشیه اثر ابن کّمونه، در طبیعیات است که مباحث مختلف طبیعیات در آن بر پایه نظرات ابن سینا در الشفاء مطرح و شرح شده است. با توجه به تسلط شارح به مباحث، خواننده به خوبی در جریان نظرات و استدلالهای علمی آن روزگار قرار می‌گیرد، و از آنجا که مباحث طبیعیات برای شماری از علاقه‌مندان فلسفه اسلامی در ابهام قرار دارد، این اثر با ارائه دسته‌بندیهای عالمانه و آشکار می‌تواند برای این دسته از خوانندگان سودمند باشد. از نکات مهم و قابل یادآوری این است که سهروردی در این بخش از التلویحات، ضمن تعلیل به وجود آمدن سنگواره‌ها، از وجود سنگواره در شهر خود سهرورد خبر داده است.

#### جلد سوم: الالهیات

جلد سوم شرح التلویحات اللوحیة و العرشیه در الهیات است. الهیات شرح التلویحات با آنکه بر مبنای حکمت مشایی است، عطری از حکمت اشراقی مشام جان تشنه‌کامان زلال معرفت حضوری را معطر می‌سازد و از مسیر استدلال، جویندگان حقیقت را آماده ورود به حوزه حکمت ذوقی می‌نماید؛ زیرا سهروردی بر این باور است که تا کسی در حکمت بحثی مهارت نیافته نمی‌تواند از حکمة الاشراق او بهره‌مند شود. در شرح الهیات التلویحات افزون بر آشنایی با بسیاری از نظرات خاص سهروردی، با لطایفی از ادبیات رمزی فلسفی و وصایای هشداردهنده او آشنا می‌شویم و از این رهگذر فرصتی برای در خود و به خود نگریستن خواهیم یافت.

رسالة فی استخراج جیب درجۀ واحده، موسی‌بن محمد قاضی‌زاده رومی (ح ۷۶۶ق - ح ۷۴۰ق)،  
تصحیح، ترجمه و تحقیق فاطمه سوادی، ۱۱۵ ص،  
۱۳۸۷ش.

روش بدیع غیاث‌الدین جمشید کاشانی (درگذشته ۸۳۲ق) در محاسبه جیب یک درجه، از برجسته‌ترین آثار ریاضیات دوره اسلامی به شمار می‌آید. وی در اثری موسوم به رسالة الزّوتر و الجیب به تبیین این روش پرداخته، اما متأسفانه تاکنون هیچ نسخه‌ای از آن یافت نشده است. در دسترس نبودن این رساله، از سویی، و

با توجه به معتبرترین نسخ مقابله و ضبط اصح انتخاب شده است.

**ساختار معنایی مثنوی معنوی، دفتر اول، سید سلمان صفوی، ترجمه مهوش السادات علوی با مقدمه سید حسین نصر، ۳۴۴ ص، ۱۳۸۸ ش.**

تاکنون تقریباً همگی محققان شرقی و غربی مثنوی مولوی بر این باور بودند که مثنوی فاقد ساختار، نظم و سیستم می‌باشد و مطالب آن مجموعه نامربوطی از حکایت‌های قرآنی، قصه‌های عامیانه و مطالب عرفانی است. آرتور آبربی می‌گوید: سروده‌ای پراکنده و آشفته است. و شیمل می‌گوید: هیچ ساختاری ندارد.



اما نویسنده کتاب با تأکید بر خلاقیت مولانا و بینش باطنی او و مبانی عرفانی نظری، دیدگاه عدم ساختار در مثنوی را مردود می‌شمارد و با روش هرمنوتیکی و ساختارشناسی و با تطبیق دو اصل نقد ادبی پاراللیسم و انعکاس متقاطع بر مثنوی و با رویکردی کل‌نگر به متن، پس از هفتصد سال ساختار بدیع، پیوسته و منسجم مثنوی را اثبات و کشف می‌کند و با شانزده دیاگرام نشان می‌دهد و مطالب جدیدی را بر اساس این روش از مثنوی استخراج می‌کند.

کتاب حاضر رویدادی بزرگ در مورد مطالعات ادبیات عرفانی به طور کلی و اثر مولانا به طور خاص می‌باشد.

ادعای الغ بیگ (درگذشته ۸۵۳ق) در زیچ گورکانی مبنی بر ابداع روشی دقیق برای محاسبه جیب یک درجه، از دیگر سو، سبب بروز ابهاماتی در باب چگونگی روشهای کاشانی و الغ بیگ شده است. خوشبختانه قاضی زاده رومی (درگذشته حدود ۸۴۰ق)، دوست و همکار کاشانی در رصدخانه الغ بیگ در سمرقند، اثری تحت عنوان رساله فی استخراج جیب درجه واحد را بر مبنای رساله‌الوتر و الجیب کاشانی تألیف کرده و در آن به شرح و بررسی روش کاشانی پرداخته است. این رساله به تصحیح فاطمه سوادى به چاپ رسیده است.

**ترجمه قرآن میبدی، اثر ابوالفضل میبدی، به خط محمدحسین بن علی عسکر ارسنجانی، نگارش ۱۳۰۰ هجری قمری، ۱۳۸۸ ش.**



این مصحف شریف که به قلم محمدحسین بن علی عسکر ارسنجانی، خوشنویس نامدار ایرانی، و به خط نسخ نگارش یافته (۱۳۰۰ هجری قمری)، چنان تنظیم شده که هر صفحه با شروع یک آیه آغاز و با پایان آیه‌ای دیگر نیز ختم می‌شود. به دیگر سخن، هیچ صفحه‌ای در میان یک آیه پایان نمی‌پذیرد. ترجمه حاضر اثر گرانسنگ ابوالفضل رشیدالدین میبدی، از شاگردان و مریدان خواجه عبدالله انصاری است که توسط آقایان دکتر مهدی ملک ثابت از روی نسخه چاپی گزینش و با نسخه‌ای خطی مقابله شده است و پس از آن توسط دکتر علی رواقی

